



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۰۲/۰۲

میر عبدالواحد سادات

پاکستان زندان اقوام و مردمان مظلوم:

از بدو پیدایش پاکستان و بویژه در نیم قرن اخیر تلاش مذبحانه انجام یافته، تا چهره اصلی این کشور مخلوق استعمار و آفات و مصایب داخلی آنرا ، تحت عناوین:

- اسلام

- جمهوری

- و فدرالیسم

کتمان نمایند.

اما واقعیت اظهار من الشمس این است که:

غیر اسلامی ترین کشور جهان اسلام ، همین مرکز شرارت پیشه گان جهان است . پاکستان کشور کودتا ها و مارشالایی است که به صورت علنی در دو - سوم تاریخ کوتاه اینکشور نظامیان حکومت کرده اند و در عمل در تمام تاریخ واك و اختیار آن بدست نظامیان میباشد و جزالان در واقع حاکمان تام الاختیار کشور اند که با پنجال اهین و استخبارات نیرومند ، مقدرات مردم در بند را رقم میزنند .

فدرالیسم پاکستان يك پوشش مزورانه بخاطر در بند کشیدن اقوام است که با دسایس الحیل ، و از طریق استخدام اجیران و افراد مربوط اقوام مختلف ، در خدمت سيطرة پنجاب و دیکتاتوری نظامیان قرار دارد . حوادث مختلف منجمله چگونگی ایجاد کشور بنگله دیش ، سرکوب بلوچها و ... و در بند کشیدن مردم پشتون که به طور سیستماتیک در معرض دسیسه و تجاوز ای اس ای قرار دارند و از خبیث ترین چهره های منسوب به قوم پشتون همانند جنرال حمیدگل و دیگران پلان در بند کشیدن قبایل را عملی نموده اند .

پروژه جهاد و طالبان یکی از مرموز ترین همین پلنها است که از طریق ان در واقع بر تمام مناطق پشتون نشین بعد از خط تحمیلی و استعماری دیورند ، قوای نظامی مسلط گردیده و سیستم قبایل ازاد و سیستم (FATA) را منحل ساختند .

بقول منظور پشتین رهبر جوان " جنبش تحفظ پشتون " :

" وقتی دلشان خواسته بمبارد و کشتار مینمایند ، اگر میخواهند دیگران را بکشند ، مردم را آموزش نظامی میدهند و ... سی سال گذشت تا مردم بدانند که بخاطر اسلام نمیباشد ... "

بدینترتیب در حالیکه با سلسله ترور های وسیع زنجیره بی ، تصفیه کلان در قوم پشتون انجام دادند (حدود شصت هزار تن نابود و لادرك میباشد) و احزاب سابقه دار ملی و مذهبی مدعی منافع قوم پشتون ، نتوانستند ، صدای اعتراض داشته باشند ، " جنبش تحفظ پشتون " بمثابة صدای برحق و مدنی مردم مظلوم و در بند پشتون بخاطر دفاع از حق زندگی ، برابری و حرمت با الهام از اندیشه های روشن اندیشانه ، پیر روشن و مبارزه عدم خشونت عبدالغفار خان فقید ، در مدت زمان کوتاه بحیث حرکت وسیع مدنی و با خواست ها در چوکات قانون اساسی پاکستان ، مورد حمایت همجانبه قرار دارد .

مطالبات مطروحه منظور پشتین و جنبش عدالتخواه او (PTM) قانونی، مشروع و عقلانی است. هیچ یک از مطالبات او خلاف قانون اساسی پاکستان نیست. او خواستار توقف اعدامهای بدون محاکمه، ماینروبی دهکدههای مناطق قبیلنشین خیبرپختونخوا، توقف بازداشت های خودسرانه و لغو قیودات نظامی در روستاهای مناطق قبیلنشین است. این جنبش خشونت پرهیز است و با برگزاری گردهمایی های مسالمت آمیز مطالباتش را مطرح می کند و بازداشت او هیچ توجیهی قانونی ندارد .

متأسفانه رژیم استخباراتی و دیکتاتوری نظامی بظاهر حکومت ملکی درین دوسال پیوسته به ترور رهبران جوان این حرکت متوسل و از سرکوب و فشار استفاده مینماید.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولی

بدینرو وظیفه انسانی ومدنی ما است تا از مبارزه برحق مردمان و اقوام مظلوم دفاع و قتل و زندانی ساختن برادران پشتون خود را تقبیح و محکوم نماییم .

رهایی عاجل و بدون قید و شرط رهبران " جنبش تحفظ پشتون " و منجمله رهبر جوانان ، شاعلی منظور پشتین ، باید بیک خواست همگانی و جهانی مبدل گردد .

در مورد ادعای مقامات پاکستان که گویا :

دفاع از منظور پشتین و جنبش او مداخله در امور داخلی افغانستان ، فی الواقع از بی ازرم بودن دولت متبوع او حکایه مینماید و در غیر آن دولتیکه حدود نیم مصروف دسیسه ، مداخله و تجاوز بر افغانستان میباشد ، چگونه میتواند ، سخن از مداخله بزند ؟

چه دلاور است دزدی که چراغ بدست دارد !

البته تعداد هموطنان ما نیز دفاع از حق و عدالت خواهی را نوعی مداخله ، قلمداد نموده اند

درین ارتباط باید گفت که بحث جاری یک موضوع جدی حقوق بشری و بویژه حقوق بشر دوستانه و حقوق شهروندی است که دولت نظامی محور پاکستان ناقض آن میباشد و هر انسان آگاه حق و مکلفیت انسانی دارد تا علیه نقض حقوق انسانی افراد اعتراض نماید که با معیار ها قبول شده حقوق بین الملل منافات ندارد .

جنبش تحفظ پشتون " تا جائیکه رهبران آن اعلام و طی دو سال موجودیت آن در عمل بمشاهده میرسد ، لااقل در پنجاه سال اخیر و بعد از کودتا جنرال ضیا الحق و ایزاد پسوند " اسلامی " بر نام رسمی دولت (البته در راستای ایجاد کمر سبز بدور اتحادشوری وقت) و بعد از عبدالغفار خان فقید ، نخستین حرکت مدنی و متکی بر اصول عدم خشونت و بخاطر اهداف حق انسانی میباشد .

بدینرو حق و مکلفیت منورانه ما است تا برخورد سرکوب گرانه و قتل و ترور علیه این جنبش را محکوم نماییم .

متأسفانه یکی از دلایل ایجاد شرکت سهامی طراز مافیایی - جهادی به عوض دولت ملی قانون محور و عدالت گستر فقدان جنبش های مدنی واقعی و غیر انجوبی میباشد

هرگاه ما صدای عدالت خواهانه با اهداف انسانی ضد افراطیت مذهبی را از آن طرف خط استعماری دیورند نفی نماییم ، بدیل بالفعل آن تداوم صدا و سونامی افراطیت و ذهنیت جهادی - طالبی است که مجموع منطقه را بکام نابودی سوق میدهد .

ما که در نیم قرن اخیر صدای شوم مولانا های خبیث پشتون و حمید گل ها و بابر ها و ... جلابان سیاسی و خان های دو سره همنوا با ای اس ای را به قیمت تباهی وطن خود تجربه کرده ایم ، بدون شك صدا های مدنی و عدالت خواه را خیر مقدم میگوییم . البته طرح شعار های قبل از وقت و یا قومی ساختن موضوع ، نه تنها بحال جنبش متذکره مفید نخواهد بود که بحال اسفبار خود ما نیز مضر تمام میگردد .

همیشه باید بخاط داشته باشیم که :

در برابر ما دشمن تاریخی و بسیار مجرب همچون ای اس ای قرار دارد که درین بیشتر از چهار دهه امکانات و ابزار های وسیع تضعیف افغانستان را در اختیار دارد .

چاره اساسی مقابله با این هیولای دهشتبار اتحاد و اتفاق اقوام با هم برادر و برابر افغانستان و وفاق ملی و ملت شدن است که منجمله همین پاکستان مابین های زیادی درین مسیر فرش نموده است .

ناسیونالیسیم محلی (سکتاریسیم) و شهونیزیم دو افت است که همیشه بحیث مانع ملت شدن ما قرار دارد .
پاشنه اشیل افغانستان :

فقدان دولت مقتدر ملی قانون محور و عدالت گستر میباشد و تا زمانیکه ما در پرتو " حاکمیت عقل " به بیداری و آگاهی عمومی نرسیم و اقتدار ملی نداشته باشیم ، ضعیف و باجده میباشیم ، چنانچه تحمیل خط استعماری دیورند ناشی از ضعف داخلی ما بوده و درین هفتاد سال ما راه اصلی مقابله با پاکستان را که همانا قوی شدن خود ما است ، تدارک نتوانسته ایم و اکنون که ، گپ به سیم خاردار و سیطره علنی و مجدد پاکستان (در سریال جاری " پروژه صلح ") رسیده است و ما کماکان " شعارزده " و بدور از عقلانیت سیاسی (زور کم و قهر بسیار) باشیم ، هیچگاهی به اهداف بزرگ ملی خود نایل نمیگردیم :

برو قوی شو اگر راحت جهان طلبی

که در نظام طبیعت ، ضعیف پامال است

عرايضم را با ذکر کلام بی بدیل افصح المتکلمین حضرت سعدی پایان میدهم:

**بنی آدم اعضای یکدیگر اند
که در آفرینش ز یک جوهر اند**

**چو عضوی ببرد آورد روزگار
دیگر عضو ها را نمائند قرار**

با حرمت